

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۰۹

الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم انداز ۱۴۰۴

سیدصدرالدین موسوی^۱

سیدمحمد جواد قربی^{۲*}

۱. دانشیار پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی و عضو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

با تحلیل متن سند چشم انداز می‌توان منابعی را یافت که قدرت نرم افزاری ایران را افزایش می‌دهند. در این میان، یکی از مؤلفه‌های راهبردی برای ارتقاء و اشاعه قدرت نرم افزاری نظام جمهوری اسلامی، «الهام بخشی فرهنگی» می‌باشد. سؤال اصلی مقاله این است؛ با توجه به سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، الهام بخشی فرهنگی چه تأثیری در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز ۱۴۰۴ دارد؟ فرضیه مقاله آن است که الهام بخشی مطرح شده در سند چشم انداز، قدرت ملی ایران را می‌افزاید و با داشتن مؤلفه‌هایی چون: فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، الگوی مردم سالاری دینی، تحکیم توسعه کارآمد و ارائه الگوی پیشرفت، نواندیشی دینی، معناسازی و پویایی فکری و ترویج جامعه اخلاقی از قابلیت و پتانسیل‌های زیادی برای ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. الهام بخشی، راهبردی برای صدور فرهنگی انقلاب است که از طریق تبلیغ، ارائه یک الگو و مدل نمونه، استفاده از ابزار فرهنگ و تمدن، تأکید بر پتانسیل‌های اسلامی و توانایی‌های ایران به عنوان یک بازیگر مؤثر در منطقه جهان اسلام و شیوه‌های نرم افزاری صورت می‌پذیرد. این مقاله برای پاسخ به سؤالات پژوهش و بررسی سند چشم انداز از مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای بهره گرفته و با روش تحلیل اسناد به واکاوی سند چشم انداز بیست ساله برای پاسخ سؤالات می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، الهام بخشی فرهنگی، سند چشم انداز، مردم سالاری دینی، الگوی توسعه.

۱۱۳

دو فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

الهام بخشی و قدرت نرم ایران در سند چشم انداز ۱۴۰۴
سیدمحمد جواد قربی و همکار

سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، در مورد جایگاه مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام در بیست سال آینده، از مفهوم الهام بخشی بهره گرفته است. تأملی در این عبارت نشان می‌دهد، واضعان آن نیم نگاهی به قدرت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام داشته و آن را معادل یا جایگزین مناسبی برای عبارت صدور انقلاب اسلامی با توجه به شرایط منطقه و نظام بین‌الملل در دو دهه گذشته دانسته‌اند. الهام بخشی، ظرفیت به مراتب بیشتری در قیاس با قدرت نرم برای رساندن پیام اسلام و جمهوری اسلامی ایران دارد. الهام بخشی به جای مغزها اغلب متوجه قلب‌هاست و با قلب‌ها سخن می‌گوید. ممکن است ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های یک کشور با کشوری دیگر متفاوت باشد؛ اما پیام یک کشور بر دل مردم کشور دیگر بنشیند؛ همان‌گونه که پیام انقلاب اسلامی ایران با وجود رخ دادن در یک سرزمین متفاوت، به دل بسیاری از مسلمانان جهان نشست. منبع تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بیشتر از آن‌که سیاست‌ها و فرهنگ باشد، اصل دعوت و الهام بخشی ریشه در سنت اسلامی دارد. انقلاب اسلامی، الهام بخش شد چون در فضای آن روز جهان، اصول فراموش شده‌ای را مورد تأکید قرار داد که به باور خیلی‌ها این اصول در حال انقراض بود. فضای داخلی، وحدت و همدلی گروه‌های سیاسی و مردم نیز پشتوانه‌های این الهام بخشی بودند. گفتمان سیاسی-اجتماعی برآمده از انقلاب اسلامی به پشتوانه‌ی فکری-عقیدتی نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و بازتولید این گفتمان در سال‌های بعد، بقا و توسعه نظام را تضمین کرد. به تعبیری، جمهوری اسلامی پس از استقرار و حتی در دوره جنگ تحمیلی، قدرت خود را نه بر پایه نیروهای نظامی، انتظامی یا شبه نظامی و در خیابان‌ها، بلکه بر پایه ایمان و باور استوار کرد. پذیرش سبک زندگی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران، شکل خاصی از الهام بخش بودن است که می‌تواند در سطح منطقه‌ای و حتی جهان اسلام نیز اتفاق افتد. می‌توان برای الهام بخش بودن از ابزارهایی نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، فیلم، موسیقی و نظیر این‌ها بهره گرفت، اما همواره باید در نظر داشت که محتوای ابزارهای مورد استفاده با محتوای ابزارهای مورد استفاده نظام‌های غیراسلامی متفاوت باشد. ابزارهای مورد استفاده الهام بخشی باید جذابیت داشته باشد و این جذابیت نباید از راه پناه بردن به جذابیت‌های تبلیغی نظام سرمایه‌داری و به‌طور مشخص جذابیت مصرف، جنسیت و خشونت باشد. الهام بخش بودن چیزی فراتر از جذابیت و تعیین دیگران است. اسلام به دنبال ایمان‌های تصنعی از راه تعیین علائق و منافع دیگران از راه ایجاد جذابیت نیست؛ زیرا در اسلام

کیفیت، مقدم و ارجح‌تر از کمیت است. نظر به آنچه گفته شد می‌توان استنباط کرد استفاده از مفهوم الهام‌بخشی در سند چشم‌انداز اتفاقی نبوده و مبتنی بر درکی صحیح از تفاوت این مفهوم با سایر مفاهیم مشابه در ادبیات روابط بین‌الملل است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۵۹). به هر روی، در این مقاله با بررسی مفاهیم قدرت نرم و الهام‌بخشی در بخش اول، به بررسی مؤلفه‌های الهام‌بخشی فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و شیوه‌های صدور آن خواهیم پرداخت و در نهایت به بررسی جایگاه و تأثیر الهام‌بخشی بر ارتقاء قدرت نرم ایران در پرتو سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌پردازیم.

سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از: با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، الهام‌بخشی فرهنگی چه تأثیری در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴ دارد؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش نیازمند پاسخ‌گویی به این سؤالات فرعی هستیم: قدرت نرم و الهام‌بخشی فرهنگی دارای چه بار مفهومی‌ای هستند؟ ابزارهای نرم‌افزاری الهام‌بخشی در راستای تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ و مؤلفه‌های الهام‌بخشی فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کدامند؟ در این مقاله با این فرضیه رو به رو هستیم؛ الهام‌بخشی فرهنگی تکامل یافته و بازسازی شده، راهبرد صدور فرهنگی انقلاب است که در سند چشم‌انداز با عنوان «الهام‌بخشی» به کار گرفته شده است و با داشتن مؤلفه‌های چون؛ فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، الگوی مردم‌سالاری دینی، تحکیم توسعه کارآمد و ارائه الگوی پیشرفت، نواندیشی دینی، معناسازی و پویایی فکری (رهیافت مفهوم‌سازی) و ترویج جامعه اخلاقی از قابلیت زیادی برای ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در عین حال باید اذعان داشت که الهام‌بخشی راهبردی به وسیله شیوه‌ها و ابزارهای نرم‌افزاری و فرهنگی صورت می‌گیرد که عبارتند از؛ صدور فرهنگی انقلاب از طریق تبلیغ، ارائه یک الگو و مدل نمونه، استفاده از ابزار فرهنگ و تمدن، تأکید بر پتانسیل‌های اسلامی و توانایی‌های ایران به عنوان یک بازیگر مؤثر در منطقه جهان اسلام، شیوه‌های نرم‌افزاری و مبتنی بر قدرت نرم.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

۱-۱. قدرت نرم

قدرت اساساً مفهومی جدال برانگیز است (کلگ، ۱۳۸۳: ۹) و جوزف نای در این باره معتقد است: «قدرت در سیاست‌های بین‌الملل مانند آب و هواست که همه درباره آن حرف می‌زنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند» (Nye, 2000: 12). از دیدگاه نای، سیاستمداران و مردم عادی، اغلب قدرت را به عنوان داشتن توانایی نفوذ بر نتیجه کار معنی می‌کنند. کسی که اقتدار، ثروت یا شخصیت جذابی دارد، قدرتمند خوانده می‌شود. در این معنا؛ «قدرت به معنای داشتن کارت‌های برنده در یک بازی است» (Nye, 2000: 12). به هر روی، برخی اعتقاد دارند که قدرت به معنای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است، به نحوی که آنچه می‌خواهیم اتفاق بیفتد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۱). با این تفاسیر، اگرچه قدرت، مسئله محوری سیاست است اما وجوه مختلف برآمده از آن، حکایت از ماهیت و کارویژه‌های خاص آن دارد (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۶۷). در این راستا، رواج گفتمان نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی در دهه‌ی پایانی قرن بیستم، به مثابه گشایش افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل راهبردی، به ویژه در مطالعات بین‌الملل بود و به اندیشمندان کمک نمود علل افول و برآمدن قدرت‌های بین‌المللی را در افقی نوین فهم نموده و توضیح دهند (پورسعید، ۱۳۸۸: ۳۵). واقعیت‌های کنونی نشان دهنده آن است که این تأکید صرف بر قدرت سخت در قدرت افکنی، موفقیت‌پذیری را در بر نداشته است و نخواهد داشت. ترجمان این گفته، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است (عسگری، ۱۳۹۰: ۵۲).

الف. کاربرد قدرت نرم

هرچند قدرت نرم از حیث شامل شدن قدرت سخت (تهدید) و یا پاداش نیز نمی‌تواند مانند نفوذ باشد ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال می‌باشد. قدرت نرم همچنین شامل توانایی‌های جذب کردن نیز می‌شود و عمل جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد (نای، ۱۳۸۹: ۴۴). به همین دلیل می‌توان بیان داشت که تمرکز بر حوزه ادراکی و احساسی یکی از خصایص و مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. به این معنا که، مخاطب و فرمانبر، بنا بر اعتقادات و باورهای معین، خواسته‌های بازیگر صاحب قدرت را به انجام می‌رساند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸). با وجود چنین رابطه‌ای میان فرمانبر و فرمانروا در فرایند قدرت نرم، مخاطب از روی رضایت مندی و نگاه مثبت و ضمن پذیرش قلبی، مثبت بودن محتوا

یا نتایج عمل به خواسته‌های طرف صاحب قدرت، خواسته‌های یادشده را عملی می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۰-۷). جوزف نای قدرت نرم را «کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ نه از طریق اجبار یا تطمیع» می‌داند. همان‌گونه که از این تعریف پیداست، نای قدرت را به سه دسته سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم می‌کند. منظور او از قدرت سخت، بهره‌گیری از زور و توان نظامی برای تحمیل اراده خویش بر دیگران است. قدرت نیمه سخت نیز به قدرت اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن کشور یا کشورهای برخوردار از آن با ساز و کارهایی نظیر محاصره و تحریم اقتصادی، اراده خود را برای دیگران تحمیل می‌کنند. از نظر نای، قدرت سخت بر تهدید (چماق) و قدرت نیمه سخت بر پاداش و تطمیع (هویج) متکی است، حال آنکه قدرت نرم بر جاذبه و قابلیت شکل دادن به علایق دیگران متکی است. به عبارت بهتر، نای قدرت نرم را توانایی تغییر یا شکل دادن اولویت دیگران می‌داند تا براساس آنچه ما می‌خواهیم، فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم عمدتاً متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند، نتایج دلخواه را می‌گیرند، چون سیاست‌های آن‌ها و همچنین ارزش‌های آن‌ها برای دیگران جذابیت دارد (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷). با این اوصاف قدرت نرم در نگرشی جامع و کلان عبارت است از: هرگونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ی هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر حاکم تعارض دارد و از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی صورت می‌گیرد.

ب. فرهنگ و قدرت نرم

بررسی‌ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد و این امر تأثیر فرهنگ بر شاکله‌ی رفتاری بشر، دو چندان می‌شود چرا که همه انسان‌ها زندگی را بر پایه مبانی فکری و ارزشی گزینش می‌کنند و برای بقاء و دوام آن تلاش نموده و به راحتی تغییرات را نمی‌پذیرند (کوئن، ۱۳۷۲: ۵۹). از این رو، فرهنگ معانی مختلفی دارد ولی امروز، بیشتر به صورت نرم افزاری تعریف می‌شود تا سخت افزاری. در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برابند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم همراه با رضایت بر دیگران و غیره می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت قدرت نرم توانایی

شکل دهی به توجیهاات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است و در همین راستا، جوزف نای مدعی می‌شود که قدرت نرم توجه ویژه‌ای به اشتغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز بگیرد. از این رو می‌توان گفت: قدرت نرم رفتار همراه با جذابیت قابل رؤیت، اما غیر محسوس است. در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین قدرت نرم با منابع نامحسوس مثل فرهنگ ارتباط دارد (پور احمدی، ۲۹۷: ۱۳۸۹-۲۹۶). در این میان، هر چقدر یک فرهنگ از قدرت اشاعه فزون‌تری برخوردار باشد، قدرتمندتر تلقی می‌شود. منظور از اشاعه فرهنگ آن است که:

«متولیان و حامیان یک فرهنگ به صورت تعمدی و برنامه ریزی شده یا غیر تعمدی، عناصر فرهنگی خود را در میان حاملان و حامیان فرهنگ‌های دیگر نشر دهند. اشاعه فرهنگی زمانی اثرگذار است که عمل، رفتار و عادات مردم کشور آماج را تحت تأثیر قرار دهد» (الیاسی، ۱۵۴: ۱۳۸۹).

ج. منابع قدرت نرم

قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین‌کننده ماهیت آن قدرت می‌باشند. به نظر نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی پدید آید (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۸). با این تفاسیر، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز در سه دسته سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قابلیت بازشناسی دارد که این مؤلفه‌ها به قرار زیر است:

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم انداز ۱۴۰۴

منابع سیاسی

کوشش برنامه ریزی شده و
مدیرانه جمعی در مسیر تحقق
آرمانها،
تعامل سازنده و مؤثر در روابط
بین الملل،
بازدارندگی همه جانبه،
امن، مستقل و مقتدر با سامان
دفاعی مبتنی بر بازدارندگی،
تحکیم الگوی مردم سالاری،
تأثیرگذاری بر همگرایی اسلامی
و منطقه،
اصول عزت، حکمت و
مصلحت در تعامل مؤثر و
سازنده با جهان،
متعهد به انقلاب و نظام اسلامی،
متعهد به شکوفایی ایران،
مفتخر به ایرانی بودن،
پیوستگی مردم و حکومت.

منابع اقتصادی

توسعه یافتگی اقتصادی، علمی
و فن آوری،
برخورداری از دانش پیشرفته،
توانایی در تولید علم و فناوری،
رفاه و امنیت غذایی،
فرصت های برابر و توزیع
مناسب درآمد،
به دور از فقر، فساد و تبعیض،
جنبش نرم افزاری و تولید علم،
رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی،
ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه،
رسیدن به اشتغال کامل،
سهم برتر منابع انسانی،
سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

منابع فرهنگی و اجتماعی

هویت اسلامی و انقلابی،
الهام بخش درجهان اسلام،
بهره مند از امنیت اجتماعی،
جامعه اخلاقی،
پویایی فکری و اجتماعی،
نهاد مستحکم خانواده،
اتکال به قدرت لایزال الهی،
عزم ملی،
متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های
اسلامی،
مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و
تاریخی،
تأثیرگذاری بر اساس تعلیم اسلامی
و اندیشه های امام خمینی (ره)،
مردم سالاری دینی،
فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر و
رضایت مند،
روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی،
عدالت اجتماعی،
سهم برتر منابع انسانی و سرمایه
اجتماعی.

۲-۱. الهام بخشی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بحث الهام بخشی فرهنگی دو دیدگاه وجود دارد: نظریه تحویل گرایانه الهام بخشی فرهنگی در تقابل با نظریه کل گرایی الهام بخشی فرهنگی قرار می گیرد. نظریه کل گرایی به طور وسیعی با کل پدیده و با تعاملات پیچیده درون آن سر و کار دارد، در صورتی که در نظریه تحویل گرایی به مطالعه بخش های مجزا و تفکیک شده یک کل و تأثیر آن ها بر یکدیگر پرداخته می شود. همان طور که «لوئیس مامفورد» اشاره کرده است تمایل تحویل گرایان بیشتر به تکنولوژی و ابزارهاست، به عبارت دیگر، نظریه تحویل گرا یک جزء را جایگزین کل می کند. در همین ارتباط، لسلی وایت معتقد است که می توانیم نظام فرهنگی را به منزله چینه ای متشکل از سه لایه افقی محسوب کنیم؛ لایه فن آوری در پائین، لایه فلسفی در لایه بالا و لایه اجتماعی در میان. در این میان، لایه تکنولوژیک

اساس و زیربنای لایه‌های دیگر است. در این نظریه تحویل‌گرایانه، نظام‌های اجتماعی عبارتند از کارکردهای فناوری و نقش انواع فلسفه‌ها، تبیین نیروهای تکنولوژیک و انعکاس وضعیت نظام‌های اجتماعی است.

بنابراین در این دیدگاه، متغیر فن‌آوری در یک نظام فرهنگی عامل تعیین‌کننده و الهام‌بخش است. این عامل در شکل‌دهی نظام‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده و زیربنایی دارد و در واقع این فن‌آوری است که محتوا و جهت‌گیری‌های فلسفی را تعیین می‌کند. در عین حال، الهام بخشی فرهنگ‌های سرمایه‌داری در جهان امروز ریشه در هژمونی ایدئولوژیک نظام‌های سرمایه‌داری است. در این جوامع، نیازها و علائق و ارزش‌های فرهنگی طبقه مسلط به عنوان نیازها و علائق و ارزش‌های کل جامعه پذیرفته شده است و شک و تردیدی درباره انطباق آن دو وجود ندارد. به عبارت دیگر، هژمونی کنترل از طریق اجماع فرهنگی و در برابر سلطه فرهنگی قرار دارد که کنترل از طریق اجبار است. در چنین دیدگاهی، فرهنگ و الهام بخشی فرهنگی در هر عصری نهایتاً چیزی جز پذیرش رضایت‌آمیز ارزش‌های طبقه بالا به وسیله عامه مردم در جوامع مختلف نمی‌باشد (نادری و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۶-۴).

بر اساس دیدگاه «ریموند ویلیام» الهام بخشی فرهنگی را می‌توان در سه عرصه عنوان نمود: در بخش آرمان‌ها و کمال مطلوب که خواهان تجلی ارزش‌های عام در عرصه زندگی است، در بخش کردارها که مظهر اندیشه و تفکر انسان می‌باشند، و نهایتاً در بخش قلمروهای اجتماعی یا شیوه خاص زندگی افراد جامعه (نادری و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۷-۸). در عین حال، الهام بخشی فرهنگی در مقاله حاضر ارتباط تنگاتنگی با صدور فرهنگی انقلاب دارد و می‌توان الهام بخشی در سند چشم‌انداز بیست ساله را با نگاه به صدور فرهنگی این‌گونه تعریف کرد: الهام بخشی راهبردی عبارت است از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلابی به مردمان مشتاق است؛ به طوری که مقوله الهام بخشی بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این رو، الهام بخشی و صدور فرهنگی انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست، بلکه صدور انقلاب استعاره‌ای برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌های ملی و آزادی بخش و آن به انسان‌های علاقمند می‌باشد. فرایندی که الهام بخشی ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است.

الهام بخشی فرهنگی در کشورهای مسلمان برپایه مؤلفه‌های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزش‌های اسلامی و انسانی را مانند عدالت طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفین و محرومین را از طریق آگاهی بخشی ملت‌های دیگر و آشنا کردن آن‌ها به حقوقشان دنبال می‌کند. ایدئولوژی اسلامی که منبع اصلی قدرت نرم انقلاب ایران است، ذاتاً خصلتی فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانان جهان است که فراهم کننده همان ویژگی فراملی انقلاب ایران است و می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار کند و ارزش‌های معنوی و دینی و سیاسی خود را به آن‌ها منتقل کند؛ زیرا مسلمانان جهان از کانال زبان مشترک دین، بهتر مشتری متاع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهند شد (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶). رهبر معظم انقلاب اسلامی، صدور فرهنگی انقلاب و الهام بخشی فرهنگی را به مثابه «صدور فرهنگ قرآنی و انسان ساز اسلام» در نظر می‌گیرند و الهام بخشی فرهنگی را سدی محکم در برابر توطئه‌های فرهنگی دشمنان می‌پندارند (بیانات رهبر معظم انقلاب در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸).

۲. سیاست‌های نرم افزاری الهام بخشی ۱-۲. کارآمدی و تأثیرگذاری عملی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران برپایه قدرت نرم بود که ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی مردم داشت و توانست بر قدرت‌های سخت‌افزاری پیروز شود. در این راستا، یکی از راه‌های مؤثر برای صدور انقلاب تکیه بر قدرت نرم ایران و بهره‌گیری از آن است تا بتوان با استفاده از فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و پیام‌های انقلاب بر رفتار دیگران اثر گذاشت. انقلاب اسلامی با دستاوردهای منحصر به فردی همچون احیای بیداری اسلامی، اعطای خودباوری فرهنگی، مطرح کردن ژئوپلیتیک جهان اسلام می‌تواند تأثیرات مهمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. انقلاب ایران با طرح شعار نه شرقی و نه غربی از بازیگران مستقل خاورمیانه است و از این نظر می‌تواند الگویی برای ملت‌های منطقه باشد که می‌خواهند از زیر سلطه حکومت‌های دست‌نشانده بیرون آیند و مستقل باشند. ایران از جمله محدود کشورهای منطقه است که در آن انتخابات برگزار می‌شود و نظامی دموکراتیک بر آن حاکم است و در همین راستا می‌تواند با شعار دموکراسی دینی و گفت و گوی تمدن‌ها به عنوان میانجی بین دنیای سکولار غرب و منطقه بنیادگرا نقش ایفا کند.

۲-۲. فرهنگ و تمدن

تأکید بر فرهنگ و تمدن ایران از دیگر شیوه‌های مؤثر برای صدور انقلاب است، ایران کشوری با سابقه تمدنی قدیمی و غنی است و فرهنگ و تمدن ایران به عنوان یک کشور باستانی و نقش‌آفرین در تمدن جهانی می‌تواند تأثیر عمیقی بر سیاست خارجی داشته باشد. در واقع، گفتمان فرهنگی و تأکید بر فرهنگ همواره در الهام بخشی به عنوان یک راهکار مطرح بوده است.

۲-۳. تبلیغ و اطلاع‌رسانی

تبلیغات یکی از شیوه‌های اصلی الهام بخشی است؛ اقداماتی نظیر ایجاد بخش رایزنی فرهنگی در سفارت خانه‌ها و تأسیسات شعبات دانشگاهی در دیگر کشورها در راستای تبلیغ دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌تواند مؤثر واقع شود. نهادها و سازمان‌هایی مثل وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان صدا و سیما می‌توانند با برگزاری نمایشگاه‌های مختلف، متعدد و ارائه دستاوردهای کشور در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی، ساختن فیلم و مستندات متعدد در تبلیغ و صدور انقلاب اسلامی مؤثر واقع شوند (یزدانی، اخجسته، ۱۳۹۱: ۶۹-۶۶). ابزارهای نرم افزاری الهام بخشی در راستای تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در پنج بعد: تبلیغات، ارائه الگو و مدلی اقتصادی و سیاسی، معرفی موفقیت‌ها و پتانسیل‌های علمی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای منطقه و جهان اسلام، بهره‌گیری از شیوه‌های نرم‌افزاری و ابزارهای تمدنی و فرهنگی مشاهده نمود.

۳. مؤلفه‌های الهام بخشی فرهنگی در جهان اسلام

۳-۱. فرهنگ و ارزش‌های اسلامی

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را شکل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری در خور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارند. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر و به ویژه کشورهای مسلمان، پیش رو می‌نهد که زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. در دوران پس از انقلاب ایران، پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، به ویژه در حوزه جهان اسلام و در مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، باعث شده تا بسیاری از روشنفکران و نخبگان و مردم کشورهای

اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند. از این رو، می‌توان گفت ایران به واسطه رسمیت یافتن اهداف و احکام اسلامی در آن، تا حد زیادی توانایی الهام بخشی و جذب دیگر کشورهای اسلامی را یافته است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۸).

باید توجه داشت که بخش عمده از عوامل تولیدکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی معطوف به خرده فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است. از آنجا که فرهنگ و ارزش‌ها به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم تلقی می‌شوند، می‌توان جایگاه و موقعیت قدرت نرم یک کشور را با توجه به میزان توانمندی‌ها و جذابیت‌های انگاره‌های فرهنگی آن مورد سنجش و ارزیابی قرار داد، زیرا فرهنگ یک کشور می‌تواند برای دیگر کشورها منشأ جذابیت باشد. آنچه اهمیت این موضوع را در این مؤلفه افزایش می‌دهد این است که فرهنگ شامل نظام ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات و اخلاقیات است و این انگاره‌ها و ارزش‌های فرهنگی نظام، توجیهات و اولویت‌ها را برای زندگی فردی و اجتماعی معین می‌سازد و از سویی، دستگاه سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بر اساس ترجیحات و اولویت‌های فرهنگی عمل می‌کنند، در نتیجه میزان پتانسیل موجود در انگاره‌های فرهنگی می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از آن طریق دستگاه سیاست خارجی به راحتی می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهانی ایجاد نموده و از آن طریق دستگاه سیاست خارجی به راحتی می‌تواند اهداف و منافع خود را بدون کاربرد زور و با کمترین هزینه تعقیب نماید (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶). با این تفسیر، الهام بخشی فرهنگ و ارزش‌های بومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و جهان اسلام می‌تواند ضریب نفوذ و میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی را در افق ۱۴۰۴ ارتقاء بخشد و با اشاعه مبانی قدرت نرم فرهنگی ایران در جامعه بین‌الملل از طریق الهام‌بخشی، زمینه‌های تأثیرگذاری سیاسی ایران را دوچندان می‌سازد..

۳-۲. الگوی مردم سالاری دینی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با حضور گسترده مردم روی داد و در واقع یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های تاریخ به شمار می‌آید، شرایط برای مشارکت سیاسی مردم به عنوان یکی از خواسته‌های مهم تاریخی آنان آماده گردید. رهبری انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) همواره در خصوص نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید می‌نمود. در عین حال باید توجه داشت که وظیفه و مأموریت جمهوری اسلامی تنها ایجاد یک جامعه و دولت الگوی اسلامی در درون ایران نیست، بلکه رسالت و مسئولیت بزرگ‌تر و مهم‌تر

معرفی و ترویج این مدل و الگوی دولت توسعه‌یافته‌ی عدل اسلامی به سایر ملت‌ها و کشورهاست؛ زیرا، حکومت اسلامی، مانند خود دین اسلام فراگیر و جهان‌شمول است و به جغرافیا و ملت و نژاد خاصی محدود و منحصر نمی‌شود. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک جامعه‌ی الگو و نمونه، الهام‌بخش سایر ملت‌ها و کشورها برای برپایی و ایجاد جامعه و دولت مشابه خواهد شد. جمهوری اسلامی که الهام‌بخش سایر جوامع بوده است و ملت‌ها و کشورهای دیگر از آن الگوبرداری خواهند کرد، یک دولت یا حکومت اسلامی است. دولتی که برخلاف ملت-دولت مدرن که ماهیتی سکولار و عرفی دارد و بر پایه‌ی ملی‌گرایی استوار شده است، ماهیتی اسلامی داشته که ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن، اسلام شیعی است. مهم‌ترین ویژگی و عنصر هویت‌بخش این نظام سیاسی که مشروعیت خود را از دین و شریعت اسلام کسب می‌کند، اسلامی بودن آن است. مهم‌ترین ارزشی که جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت اسلامی واجد، حافظ و مروج آن است، عدالت است. عدالت در برگیرنده و متضمن سایر ارزش‌ها و فضائل انسانی و اجتماعی نیز است. بنابراین، دولتی که به‌عنوان الگو در داخل باید ایجاد گردد و الهام‌بخش دیگران باشد، «حکومت عدل اسلامی» است. اهمیت این ارزش و اصل به اندازه‌ای است که رهبر انقلاب اسلامی آن را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند. ارائه و معرفی الگوی حکومت عدل اسلامی به‌صورت مسالمت‌آمیز از طریق گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، به سه طریق اهداف الهام‌بخشی انقلاب اسلامی را تأمین می‌کنند؛

الف. ایجاد و استقرار یک دولت عادل و جامعه الگوی اسلامی، بیانگر امکان‌پذیری و کارآمدی الگوی حکومتی اسلام، ارزش‌های اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی در جهان معاصر و نظام ناعادلانه بین‌المللی است؛ به‌طوری‌که محقق ساختن جامعه و دولت شاهد و الگوی اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران، سازوکار و شیوه اثبات عملی ارزش‌ها و آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی و اشاعه و گسترش آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. فرایندی که درنهایت، به تشکیل جامعه جهانی اسلامی تحت حاکمیت دولت مهدوی منجر خواهد شد. این امر نیز به معنای شکل‌گیری و استقرار نظم مطلوب جمهوری اسلامی است که منافع معطوف به نظم جهانی آن را تأمین می‌کند.

ب. گسترش ارزش‌های دولت اسلامی عادل، به‌ویژه عدالت‌خواهی و سلطه‌ستیزی، ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد. چون، با صدور الگوی مقاومت جمهوری اسلامی ایران به اردوگاه سلطه‌ستیزان، فرهنگ و گفتمان مقاومت علیه

سلطه‌گران و مستکبران فراگیر می‌شود. رواج و رونق گفتمان ضد هژمونیک به معنای بازدارندگی در مقابل تهدیدات امنیتی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی است. افزون بر این، با شکل‌گیری اتحاد سلطه‌ستیزان و اتحاد و ائتلاف ضد هژمونیک، فرصت و امکان موازنه‌سازی در برابر هژمونی سلطه‌گر در سطح نظام بین‌الملل، توسط جمهوری اسلامی فراهم می‌گردد. تشدید و تقویت مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین از یک سو، و توسعه همکاری‌های ایران و آمریکای لاتین از سوی دیگر، در این راستا تحلیل می‌گردد.

ج. فراگیر شدن فرهنگ و گفتمان مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به معنای گسترش حوزه نفوذ و دامنه منافع و قدرت ملی جمهوری اسلامی به فراسوی محیط پیرامونی آن است (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۱).

۳-۳. الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت

در متن سند چشم‌انداز بر توسعه‌یافتگی تأکید زیادی گشته است و سه بار از لفظ توسعه بهره گرفته شده است و در اصل اول سند چشم‌انداز بیست ساله آمده است: «توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی» (اصل اول سند چشم‌انداز) در عین حال، در مقدمه سند چشم‌انداز بیست ساله، افق و آینده اقتصادی و توسعه جمهوری اسلامی ایران این گونه ترسیم شده است:

«در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه» (مقدمه سند چشم‌انداز)

از آنجایی که در متن سند چشم‌انداز، توسعه‌یافتگی هم‌نشین هویت اسلامی و انقلابی است و با دو ویژگی اسلامیت و ایرانیت قرار است به عنصری الهام‌بخش در جهان اسلام تبدیل گردد، می‌توان استنباط نمود که الگوی توسعه الهام‌بخش جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» خواهد بود و این الگو می‌تواند بسترهای الهام‌بخشی و درونی‌سازی مقتضیات ارزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در جهان اسلام و منطقه فراهم آورد.

مؤلفه‌های تأثیرگذار قدرت در قوام و نقش‌آفرینی نظام‌های سیاسی نسبت به گذشته تغییر یافته و مؤلفه‌های توسعه‌ای، همچون توانایی و کارآمدی دولت‌ها در تامین رفاه و پیشرفت شهروندان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در چنین فضایی، شرط توفیق برنامه‌های توسعه ملی منوط به ایجاد تعامل پویا و تعادل هم‌افزا میان ضرورت‌ها و

نیازهای داخلی برای توسعه از یک سوء و الزامات ناشی از روندهای پر قدرت اقتصاد جهانی از دیگر سو و مهمتر از همه، هوشیاری لازم برای برون رفت از چنبره متداخل غیرتوسعه‌ای می‌باشد که از درون و برون، منطقه خاورمیانه را به یکی از مناطق بحرانی در جهان تبدیل کرده است. دورنمای توسعه ملی ایران حاکی از ضرورت و خواست تغییر جهت اساسی از نگرش صرف سنتی امنیت‌محور به نگرش توسعه‌محور تعاملی با جهان ضمن حفظ ملاحظات امنیتی و تلاش برای برون رفت از فضای ضدتوسعه‌ای مسلط بر خاورمیانه است. تصویب سند چشم‌انداز بیست ساله در ایران، حاکی از وجود گرایش قدرت‌مندی است که با درک تحولات جهانی در مسیر توسعه و ارتقای رفاه کلی از یک سو و نیز تحولات گسترده داخلی که خواستار کارآمدی نظام در تأمین امنیت، رفاه و توسعه، یعنی عناصر قدرت نرم هستند، از دیگر سو توانسته است اجماع ملی نسبی مبنی بر محوریت توسعه‌ای برون‌گرا و تعاملی، ایجاد نماید. در واقع سند چشم‌انداز نشانه آن است که جمهوری اسلامی ایران در صدد کسب قدرت نرم، یعنی ابزارهایی برای توسعه‌گرایی می‌باشد که در نتیجه می‌تواند به کارآمدی اقتصادی، تأمین امنیت و رضایت بیشتر شهروندان منجر شود و برای این منظور، ناگزیر از تعامل سازنده با جهان است. سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان یک راهنمای استراتژی کلی و بلندمدت ملی، درصدد حرکت در مسیر توسعه‌ای برون‌گرا از طریق تعامل سازنده با جهان به منظور کسب امکانات و رفع موانع و تهدیدات توسعه ملی می‌باشد. سیاست خارجی، محل و ابزار ایجاد تعادل پویا و تعامل هم‌افزا میان ضروریات داخلی و الزامات بین‌المللی توسعه ملی است (موسوی شفیعی، ۱۳۸۷).

سیاست خارجی توسعه‌گرا مبتنی بر الهام بخشی، ناشی از ضرورت‌های عمدتاً بین‌المللی و مواجه با چالش‌های اساساً داخلی است. جوزف نای مدعی گشته است که یک توسعه کارآمد و الگوی توسعه می‌تواند الگو باشد و دیگران را جذب کند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲). از این رو، الهام بخشی توسعه کارآمد ایرانی در قالب «الگوی اسلامی پیشرفت» می‌تواند قدرت نرم ایران را ارتقاء بخشد. به اعتقاد برخی از نویسندگان توسعه کارآمد و الهام بخشی آن در جهان اسلام و منطقه پیرامونی ایران، می‌تواند به ایران در سه عرصه کمک نماید؛ امنیت، اعتبار و امکانات. بنابراین روح و فرهنگ رشد و توسعه در محیط داخلی، پیرامون و محیط بین‌المللی می‌تواند به ارتقاء موقعیت ایران کمک نماید (سجادپور، ۱۳۸۲، ج ۲: ۹۲).

۳-۴. معناسازی و پویایی فکری

در اصل هفتم سند چشم انداز بر عناصر «نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی» به مثابه یکی از راهبردهای الهام بخشی یاد شده است و با توجه ماهیت سند چشم انداز، این نواندیشی‌ها و پویایی فکری باید در راستای «تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» (مقدمه سند چشم انداز) و «اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی» (اصل اول سند چشم انداز)، صورت پذیرد. نواندیشی دینی، معناسازی و پویایی‌های فکری می‌تواند زمینه‌های الهام‌بخشی را از طریق آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی ملت‌های دیگر فراهم نماید و دستاورد آن، ارتقاء قدرت نرم‌افزاری و نقش آفرینی مؤثر جمهوری اسلامی ایران باشد. جوامع مختلف بسته به اینکه نسبت به هستی چه بینشی داشته و چه معنایی برای زندگی قائل هستند و چه ارزش‌هایی را بر جهان حاکم می‌دانند، سبک و اسلوب خاصی را انتخاب می‌کنند. در این میان، زبان و ساختن مفاهیم یکی از حامل‌های فرهنگی است که در سه بعد وجودی خویش «گفتاری یا شفاهی، مکتوب و ذهنی» از عوامل مهم انتقال فرهنگی است. درعین حال، زبان امکان تولید مفاهیم، ایده‌سازی و نواندیش‌های زبانی را فراهم می‌آورد و بسترهای انتقال پیام را مهیا می‌سازد.

به نظر برژنیسکی کشوری که دارای پیام و سخن در عرصه بین‌المللی است، دیگران را مخاطب خود می‌کند و سرانجام توفیق می‌یابد. در واقع، قدرت جذب کنندگی به مثابه پایه و کانون قدرت نرم، می‌تواند بر مبنای گیرایی ایده‌های دیپلماسی عمومی یک کشور باشد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی چنین کشوری جذاب باشد، دیگر کشورها اشتیاق بیشتری در پیروی از ایده‌های آن نشان خواهند داد. همچنین اگر آن کشور قادر باشد هنجارهایی بین‌المللی برقرار کند که با جامعه‌اش همخوانی داشته باشد، احتمال اینکه در درون خود ناگزیر به تغییر دادن این هنجارها شود، کاهش می‌یابد. به تبع این هنجارها، هویت، نقش و منافع چنین عاملی نیز تثبیت می‌شود. شاید بتوان عمده‌ترین و مهم‌ترین طرح جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی را معنویت‌گرایی و مردم‌محوری به صورت همزمان دانست. چنین‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیش از آن که ابزار و روشی ناگزیر در دنیای جهانی شده به شمار رود، گزاره‌ای بایسته و هنجار غیرقابل چشم‌پوشی برآمده از بنیاد ایدئولوژیک آن بوده و پیامد ذاتی آن است. در واقع، مهم‌ترین ایده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سرشت اسلامی و انقلابی است که در تار و پود آن تنیده شده و در برنامه‌ها و رفتارهای آن نمایان است.

معناسازی، الهام بخش کنش‌های فردی و جمعی است که خود پیامدهای فراوانی را

در زندگی اجتماعی و سیاسی به همراه دارد. ایجاد حساسیت به مسائل خاص، تعریف آن مسائل و تبدیل آن‌ها به کانون توجه همگان، اصولاً پدیده‌ای نرم افزاری است. یک کشور ممکن است به این دلیل به اهداف جهانی خود برسد یا آسان‌تر به آن‌ها دست یابد که دیگران می‌خواهند از آن پیروی کنند. بنابراین، تنظیم دستور کار و سامان دهی به وضعیت سیاست جهان از مهمترین توانایی‌ها در زمینه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون توانسته است در مواردی بر دستورالعمل سیاست جهانی و روابط بین‌المللی یا منطقه‌ای تأثیرهای مهمی برجای بگذارد. برای نمونه ایران با مطرح کردن مسئله «مقاومت» در برابر اشغالگری و تجاوزگری رژیم صیہونیستی، آن را به گفتمان عمومی مردم منطقه خاورمیانه تبدیل کرده و توانستند روند برنامه سازش در منطقه را که آمریکا از آن حمایت می‌کند، متوقف یا مخدوش کند. ابتکار اعلام جمعه پایانی ماه مبارک رمضان به نام «روز قدس» از سوی امام خمینی (ره) نیز باعث زنده نگه داشتن یاد فلسطین و انتفاضه به عنوان مسئله اصلی و مشترک همه مسلمانان در سراسر جهان اسلام و فراتر از آن شده است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۵).

۳-۵. عرضه جامعه‌ای اخلاقی

در بند هفتم سند چشم انداز آمده است که ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری با جامعه اخلاقی است. ایجاد جامعه اخلاقی، هدف بزرگ پیامبران خدا بوده و پیامبر اکرم در این زمینه می‌فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» یعنی برای تمام کردن اخلاق مبعوث شدم. در جامعه اخلاقی، انسان‌ها با آرامش و احساس امنیت و بدون دغدغه زندگی خواهند کرد. در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم است، امنیت در همه ابعاد آن به اوج می‌رسد و افراد در آن احساس برادری دارند. تصریح خداوند بر «انما المومنون اخوه و اصلاح ذات البین»، به این مفهوم است که اگر مشکلی در روابط افراد پدید آمد «فاصلحوا بین اخویکم» چراغ راه بوده و با این شیوه است که یک جامعه اخلاقی پدید می‌آید (علایی، ۱۳۹۱: ۲۲). با این اوصاف، جامعه اخلاق‌گرا برای پیمودن شیوه و سبک زندگی سالم، نیازمند الگو و مدل مناسب است. این الگو و مدل در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) است. پیامبر اکرم (ص) از سوی خدا با بهترین منزلت‌های اخلاقی معرفی شده است و ایشان خود را به عنوان رسول و سفیر الهی مامور به تعلیم انسان و ساختن یک جامعه اخلاقی می‌داند (قصری و دوستدار، ۱۳۸۸: ۷۳).

با ورود مدرنیته به فضای اجتماعی و فرهنگی زندگی انسانها، به آرامی سبک خاصی از زندگی رشد کرد که از جذابیت‌های هماهنگ با طبیعت تنوع طلب انسان برخوردار

بود. این سبک که در کل، سبک غربی نام گرفت، در بخش‌های مختلف مغرب زمین به شیوه‌های کم و بیش همانند، رسوخ یافت و به دلیل جذابیت‌های پیشرفت و توسعه غربی، به نوعی همراه تفکیک ناپذیر مدل‌های توسعه غرب قلمداد شد. شاید به یقین بتوان گفت که سبک زندگی آمریکایی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با رقیب ایدئولوژیک خود، یعنی شوروی و در حقیقت شرق کمونیستی در برابر غرب لیبرال در طول جنگ سرد بود (گلشن پژوه، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۴).

سبک زندگی مبتنی بر خلاقیت و آزادی کنش‌گر در ساختن هویت خود از طریق انتخاب‌های مصرفی است و پذیرش معیارها و گزینش‌های تبلیغی جمهوری اسلامی از جامعه اخلاقی ایرانی در شکل دهی به شیوه زندگی و هویتش از جمله دلایل هژمونی گفتمان سبک زندگی جمهوری اسلامی در جامعه ایرانی بوده است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۵۴) و پتانسیل‌های بالایی سبک زندگی و جامعه ایده‌آل اخلاقی جمهوری اسلامی ایران که دارای پشتوانه‌های غنی اسلامی و بومی است، می‌تواند زمینه‌های هژمونیک شدن سبک جامعه اخلاقی مدنظر جمهوری اسلامی در کشورهای پیرامونی و جهان اسلام گردد و با الهام بخشی این نوع از سبک زندگی، می‌توان هنجارها، اصول و باورهای ارزشی، جهان بینی و مقتضیات فرهنگی را با آن صادر کرد و در مسیر الهام بخشی سبک زندگی، پایه‌های قدرت نرم ایران را مستحکم نمود.

الهام بخشی فرهنگی در زمینه سبک زندگی و صدور سبک زندگی مبتنی بر فرهنگ بومی کشور میزبان، ارتقاء توان قدرت نرم کشور را به همراه دارد. به همین دلیل، «جامعه اخلاقی» درسند چشم انداز بیست ساله به معنای الهام بخشی سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر مقتضیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی ایران است که قابلیت الهام بخشی مضاعفی دارد و از این طریق می‌تواند به مثابه یکی از منابع بازتولید و ارتقاء دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران عمل کند (نک. به نمودار شماره ۱).



نتیجه گیری

با بررسی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران می توان دریافت که مؤلفه «الهام بخش بودن» در متن سند چشم انداز، یکی از راهبردهای اساسی ارتقاء توان ملی و قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ می باشد. الهام بخشی فرهنگی را می توان تشریح و ترویج اهداف، آرمان ها، آموزه ها و گفتمان انقلابی به مردمان مشتاق تعریف کرد به طوری که مقوله الهام بخشی بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می باشد. الهام بخشی فرهنگی در کشورهای مسلمان بر پایه مؤلفه های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزش های اسلامی و انسانی را مانند عدالت طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفین و محرومین را از طریق آگاهی بخشی ملت های دیگر و آشنا کردن آن ها به حقوقشان دنبال می کند. الهام بخشی و صدور فرهنگی انقلاب نیازمند ابزارها و شیوه هایی برای اشاعه هستند و با توجه به پیوست فرهنگی الهام بخش بودن در سند چشم انداز، شیوه های الهام بخشی به صورت نرم افزاری و راهبردهای فرهنگ محور صورت می گیرد که از آن جمله می توان به مواردی همچون: صدور فرهنگی انقلاب از طریق تبلیغ، ارائه یک الگو و مدل نمونه، استفاده از ابزار فرهنگ و تمدن، تأکید بر پتانسیل های اسلامی و توانایی های ایران به عنوان یک بازیگر مؤثر در منطقه جهان اسلام، شیوه های نرم افزاری و مبتنی بر قدرت نرم اشاره داشت. الهام بخشی در بند هفتم سند چشم انداز بیست ساله دارای مؤلفه های فرهنگی است که بر توان نرم افزاری و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران می افزاید و مؤلفه های الهام بخشی با بسترسازی و ایجاد زمینه های مناسب برای الگو شدن هنجارها و ارزش ها، و جهان بینی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و جهان اسلام، ضریب تأثیرگذاری و نفوذ فرهنگی ایران را ارتقاء بخشیده و بخش هایی از پتانسیل های بالقوه را بازتولید می کند و از آن جمله می توان به مؤلفه هایی همچون: فرهنگ و ارزش های اسلامی، الگوی مردم سالاری دینی، تحکیم توسعه کارآمد و ارائه الگوی پیشرفت، نواندیشی دینی، معناسازی و پویایی فکری (رهیافت مفهوم سازی) و ترویج جامعه اخلاقی اشاره کرد.

منابع

- ابوالفتحی، محمد و مختار نوری (۱۳۹۲)، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال دوم، بهار، شماره ۶، صص ۹۰-۷۳.
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۹)، «ماهیت و عناصر قدرت نرم»، *قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل*. تهران: نشر ساقی، چاپ اول، صص ۱۵۸-۱۴۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی تهدید*. تهران: دوره عالی جنگ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «چهره‌های قدرت، گذار از سخت افزارگرایی به نرم افزارگرایی»، *قدرت نرم*. تألیف جوزف نای، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، *صحیفه امام*. دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «آینده نظام اسلامی ایران در سند چشم‌انداز بیست ساله و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی»، *فصلنامه حصون*. بهار، شماره ۱۱.
- پروانه، محمود (۱۳۹۰)، *الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، «بازتولیدگفتمانی؛ راهبرد استقرار امنیت نرم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال دوازدهم، پائیز، شماره سوم (پیاپی ۴۵)، صص ۱۶۳-۱۳۵.

- جمال زاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال اول، پائیز، شماره ۴، صص ۸۶-۶۱.
- درخشه، جلال و غفاری، مصطفی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات. سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶ (پیاپی ۴۸)، صص ۹-۴۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۸)، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، دو فصلنامه دانش سیاسی. دوره پنجم، پائیز و زمستان، شماره دوم (پیاپی ۱)، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- سجادیپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۲): «الزامات سیاست خارجی توسعه»، توسعه سیاسی. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ اول، جلد ۲، صص ۹۴-۸۷.
- عسگری، محمود (۱۳۹۰)، قدرت افکنی؛ الزامی برای دारندگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- علایی، حسین (۱۳۹۱)، «امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی. سال دهم، پائیز، شماره ۳۹، صص ۳۴-۱.
- قصری، محمد و دوستدار، رضا (۱۳۸۸)، «نگرش مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، امنیت انسانی در غرب آسیا. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، صص ۹۰-۵۵.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹)، «تقدم الهام بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی. سال هشتم، بهار، شماره ۲۸، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- کگل، استوارت (۱۳۸۳)، چارچوب‌های قدرت. ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه شناسی. ترجمه توسلی و فاضل، تهران: نشر اقبال.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۱)، «نقش سازمان‌های اطلاعاتی در ارتقای قدرت نرم کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی. سال پانزدهم، تابستان، شماره دوم (پیاپی ۵۶)، صص ۱۴۰-۱۱۷.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۵)، «متدولوژی تدوین و الگوهای اجرائی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. تهران:

مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۳۰-۱.

- مقام معظم رهبری (۱۳۶۸)، بیانات در دیدار با مراجعین خارجی در اربعین امام خمینی (ره)، در ۲۲ تیرماه.

- موسوی شفاپی، مسعود (۱۳۸۷)، *توسعه گرایی؛ الزام سیاست خارجی ایران*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک - معاونت سیاست خارجی.

- مهدوی، اصغر آقا و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، *فصلنامه دانش سیاسی*. سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۱۴، صص ۲۰۴-۱۶۷.

- نادری و ابوالقاسمی (۱۳۸۵)، *الهام بخشی سندچشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*. بی جا: مرکز پژوهشی توسعه فرهنگ دینی جهان معاصر، صص ۱۹-۱.

- نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.

- یزدانی، عنایت الله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال اول، تابستان، شماره ۳، صص ۸۶-۵۹.

- Nye, Joseph (2002), *The Paradox of American Power: Why The Worlds only SuperPower cant Go it alone*. New York: Oxford University Press.

- Nye, Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.

۱۳۳

و فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

الهام بخشی و قدرت نرم ایران در سند چشم انداز ۱۴۰۴
سیدمحمد جواد قربانی و همکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی